

میرزا حبیب‌الله شیرازی: متخلص به **قآنی**، از شاعران دوره قاجار است. هنر او در قصیده‌سرایی و انتخاب واژگان خوش‌آهنگ و توصیف‌های نیکو است. وی کتاب «پرشان» را به شیوه گلستان سعدی نوشته‌است.



صورتگر ماهر



۱. راستی را کس نمی‌داند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار

واژه‌های مهم: راستی را: به راستی / پدیدار: آشکار / پیدا، عیان / نقش و نگار: تصاویر رنگارنگ.
معنا و مفهوم: به راستی هیچ کس نمی‌داند که در فصل بهار، این همه نقش و نگار و گل‌های زیبا از کجا پیدا می‌شوند؟

۲. عقل‌ها حیران شود کز خاک تاریک نژد / چون برآید این همه گل‌های نغز کامکار؟

واژه‌های مهم: حیران: متحیر، متعجب، سرگشته / نژند: غمگین، افسروه، اندوهگین، سرد و بی‌روح / نغز: خوب، نیکو / کامکار: خوشبخت، کامروا، دل‌پسند / گل کامکار: گل سرخ و زیبا.
معنا و مفهوم: عقل انسان شگفت‌زده می‌شود که چگونه از خاک تیره سرد و بی‌روح، این همه گل‌های سرخ زیبا می‌روید؟

۳. چون نبرسی کاین تمایل از کجا آمد پدید؟ / چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

واژه‌های مهم: کاین: مخفف که این / تمایل: جمع تمثال، شکل‌ها و تصویرها.
معنا و مفهوم: چرا نمی‌پرسی و پرس‌وجو نمی‌کنی که این همه شکل و تصویر زیبا (گیاهان، گل‌ها و ...) از کجا پیدا و پدیدار می‌شود؟

۴. برق از شوقی که می‌خندد بدین سان قاه‌قاه؟ / ابر از هجر که می‌گرید بدین سان زار زار؟

واژه‌های مهم: شوق: میل و رغبت / هجر: جدایی، دوری / بدین سان: به این شکل.
آرایه‌های ادبی: تضاد: «شوق و هجر»، «می‌خندد و می‌گرید»، «قاه‌قاه و زار زار» / مراعات نظیر: «ابر و برق»، «خنده و گریه» / تشخیص: «برق قاه‌قاه می‌خندد»، «ابر زار زار می‌گرید».
معنا و مفهوم: برق آسمان از اشتیاق دیدار چه کسی این‌گونه با صدای بلند قهقهه می‌زند و ابر از غم دوری چه کسی این‌گونه زارمی‌زند (گریه می‌کند)؟

۵. کیست آن صورتگر ماهر که بی‌تقلید غیر / این همه صورت برد بر صفحه هستی به کار

واژه‌های مهم: صورتگر: نقاش، در اینجا یعنی خداوند/ هستی: جهان/ بی‌تقلید غیر: بدون پیروی از دیگران/ ماهر: زبردست، کاردان، استاد.

نکته‌های ادبی: صفحه‌هستی: ترکیب اضافی (اضافه تشبیهی) عالم هستی به صفحه نقاشی تشبیه شده‌است. / مراعات نظیر: صورتگر، صورت، صفحه.

معنا و مفهوم: آن نقاش ماهر که این همه تصاویر تازه و زیبا را بر صفحه هستی به کار بسته‌است، چه کسی است؟ (خداوند بزرگ‌ترین نقاش طبیعت است).



دانش ادبی

تشبیه: اگر کسی یا چیزی را به کسی یا چیز دیگر مانند کنیم، از آرایه تشبیه استفاده کرده‌ایم. در واقع ادعای همانندی و همسانی بین دو چیز یا دو کس را «تشبیه» می‌گویند.

تشبیه چهار رکن دارد:

مُشَبَّه: کسی یا چیزی که قصد تشبیه کردن آن را به کسی یا چیز دیگر داریم.

مُشَبَّه‌بِه: کسی یا چیزی که مشبه، به آن تشبیه می‌شود.

ادات: به کلماتی که بین مشبه و مشبه‌به ایجاد ارتباط می‌کنند. (مانند، مثل، همانند، به‌سان، چون، چو، به کردار، پنداری، گویی، به رنگ، به شکل از ادات تشبیه‌اند).

وجه شبه: ویژگی و صفت مشترک بین مشبه و مشبه‌به است.

مثال: پره‌های طاووس مانند دسته گل پر نقش و نگار، رنگارنگ است.

پره‌های طاووس: مشبه / دسته گل پر نقش و نگار: مشبه‌به / مانند: ادات / رنگارنگ: وجه شبه.

نکته

بین واژه‌ها فاصله معینی وجود دارد که به آن «فاصله میان واژه‌ای» می‌گویند. رعایت نکردن فاصله مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله، در خواندن آنها ابهام ایجاد می‌کند. مانند: او هر روزنامه‌ای می‌خواند. او هر روز نامه‌ای می‌خواند.